

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

الدرس الأول: من آيات الأخلاق: از نشانه‌های اخلاق

شرح المفردات (توضیح کلمات)

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
لا یسخر	فعل - ثلاثی مجرد	نباید مسخره کنند
عیسی	فعل (غیرقابل تغییر)	شاید
أَنْ یكونوا	فعل (ناقصه) ^۱	که باشند
أَنْ یكفروا	فعل (ناقصه)	که باشند (سوم شخص جمع مونث)
لا تلمزوا	فعل نهی - ثلاثی مجرد	عیب‌جویی نکنید
لا تتابزوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	به یکدیگر لقب زشت ندهید
بئس	فعل (غیرقابل تغییر)	چه بد است (فعل ذم: سرزنش)
الفسوق	اسم (مصدر)	آلودگی به گناه
لَمْ یَتُوب	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	توبه نکرد (در متن درس: توبه نکند)
إثم	اسم	گناه (مترادف: ذنب، جریمه، خطیئه، جُنَاح)
لا تجسسوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	جاسوسی نکنید (مصدر آن: تجسس)
لا یغتاب	فعل نهی - ثلاثی مجرد	غیبت نکند
بعضکم	اسم (مضاف)	یکی از شما
لحم	اسم	گوشت
میت	اسم (صفت)	مرده
کرهتم	فعل ماضی - ثلاثی مجرد	ناپسند دانستید (در متن درس: نفرت دارید)
اتقوا	فعل امر - ثلاثی مزید	از خدا پروا کنید (بترسید)
تواب	اسم (مبالغه، بر وزن فعّال)	بسیار توبه‌پذیر
قَدْ	حرف (تقلیل)	گاهی
العجب	اسم (مصدر)	خودپسندی (مترادف: تکبر)
خفی	اسم (صفت)	پنهان

^۱ - در درس‌های آینده با «أفعال ناقصه» و معانی آنها آشنا خواهید شد.

أن تَعَيَّبَ	فعل مضارع	که عیب جویی کنی (مضارع التزامی)
لا تُلقِبُوا	فعل نهي	لقب ندهید
حَرَمٌ	فعل ماضی (ثلاثی مزید)	حرام نمود
الاستهزاء	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	مسخره کردن
تسمية	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	نامیدن
فَضْحٌ	اسم (مصدر ثلاثی مجرد)	رسواسازی
كبائر	اسم (جمع مكسّر: كبيرة)	گناهان بزرگ
التواصل	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	ارتباط برقرار کردن با یکدیگر

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ إِسْمُ الْمَكَانِ

۱. اسم تفضیل

«اسم تفضیل» یکی دیگر از اسم‌هایی است که از «فعل» ساخته می‌شود. این اسم با هدف مقایسه بین دو چیز و بیان مفهوم برتری یکی نسبت به دیگری به کار می‌رود. این اسم در زبان عربی بر دو وزن «أَفْعَلٌ» و «فُعَلٌ» دیده می‌شود:

مانند: أَفْضَلٌ، أَعْلَمٌ، أَجْمَلٌ، أَكْبَرٌ، أَصْغَرٌ... / كُبْرَى، صُغْرَى، عُظْمَى، فَضْلَى....

اگر این اسم با حرف «من» به کار رود، معنای «صفت برتر» می‌دهد. مانند:

هو أَفْضَلُ مِنَ الْآخِرِينَ: او از دیگران برتر است.

أَنْتَ أَعْلَمُ مِنِّي: تو از من داناتر هستی.

اگر این اسم به اسمی (مفرد یا جمع) اضافه شود، معادل «صفت عالی» است. مانند:

آسیا أكبر قارة في العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

روسيا أكبر البلاد في العالم: روسیه بزرگ‌ترین کشور در جهان است.

نکته ۱: گاهی از اوقات، اسم تفضیل به «الف» یا به یک «حرف مشدّد» ختم می‌شود. مانند:

جبل دماوند أعلى جبل في إيران: کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أحبّ الناس أنفعهم للآخرين: محبوب‌ترین مردم سودمندترینشان نسبت به دیگران است.

نکته ۲: برخی اسامی با هدف بیان رنگ نیز بر همین وزن «أَفْعَلٌ» به کار می‌روند که در این صورت اسم

تفضیل نیستند. مانند: أخضر (سبز)، أحمر (قرمز)، أزرق (آبی)....

نکته ۳: دو کلمه «خَيْر» و «شَر» در اصل بر همین وزن (أفعل: أَحْيَر - أَشْر) بوده‌اند که (همزه) آن بر اثر کثرت استعمال حذف شده است. مانند:

(تفكّر ساعة خَيْرٍ من عبادة سبعين سنة: يك ساعت انديشيدن بهتر از هفتاد سال عبادت است)
(شَرّ الناس من لا يعتقد الأمانة: بدترین مردم کسی است که پاييند به امانت نباشد)

نکته ۴: مونث «أفعل» بر وزن «فُعلى» به کار می‌رود. مانند: كُبْرَى، صُغْرَى، فُضْلَى، ...

زينب الكبرى: زينب بزرگ‌تر ، فاطمة الصغرى: فاطمه کوچک‌تر

اما اسم تفضيل در مقام مقایسه بين دو اسم مونث غالباً بر وزن «أفعل» مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند:
زينب أكبر من فاطمة: زينب از فاطمه بزرگ‌تر است.

نکته ۵: اسم تفضيل غالباً به صورت مکسر و بر وزن «أفاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

أفضل ← أفاضِل، أرذل ← أراذِل، أكبر ← أكابر، أعظم ← أعاظِم، ...

إذا ملك الأراذِلُ هَلِك الأفاضِل: آن‌هنگام که فرومایگان به قدرت برسند، دانایان از بين می‌روند.

۲. اسم مکان: یکی دیگر از کلماتی است که از فعل ساخته می‌شود. این اسم در زبان عربی غالباً بر وزن «مَفْعَل» و در برخی موارد بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

«مَفْعَل» ← مَطْبَخ: آشپزخانه، مَلْعَب: ورزشگاه، مَصْنَع: کارخانه، مَطْعَم: رستوران ...

«مَفْعِل» ← مَنزِل: خانه، تَحْمِيل: کجاوه، مَغْرِب: محل غروب، مَشْرِق: محل طلوع ...

«مَفْعَلَة» ← مدرسة: مدرسه، مَكْتَبَة: کتابخانه، مَطْبَعَة: چاپخانه ...

اسم مکان هم غالباً به صورت مکسر و بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

مَكْتَبَة (مکاتب)، مَطْبَعَة (مطابع)، مدرسة (مدارس) مصنع (مصانع)، ملعب (ملاعب) ...

خلاصه درس

۱. اسم تفضيل برای مقایسه دو چیز و بیان برتری یکی بر دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. اسم تفضيل برای مذکر بر وزن «أفْعَل» و برای مونث بر وزن «فُعلى» است.
۳. اسم تفضيل با حرف جر «مِنْ» معادل صفت برتر و در صورت اضافه شدن به اسم دیگر (مفرد یا جمع) به معنای صفت عالی در زبان فارسی است.
۴. اسم تفضيل در مقام مقایسه بين دو اسم مونث غالباً بر وزن «أفعل» مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۵. اسم تفضيل غالباً به صورت جمع مکسر و بر وزن «أفاعِل» به کار می‌رود.

۶. اسم مکان در زبان عربی بر یکی از سه وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

۷. اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود.

اختبر نفسك

عین فی العبارات التالية اسم التفضیل و اسم المكان، ثم قُم بترجمة العبارات.

۱. عداوة العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل.

۲. رجاءٌ، أعطني قميصاً أرخص.

۳. اشتریتُ سروالاً أبيضَ من متجرِ صديقي.

۴. مکتبَةُ جامعةِ طهرانَ أغنى مکتبَةَ في إيران.

۵. أكلتُ الغداءَ في أفضلِ مطاعمِ المدينة.